



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۱۲/۰۲

عبدالقیوم میرزاده

## چرا امریکا مردم ما را مجازات میکند؟

وضعیت اقتصادی در افغانستان روز تا روز بوخامت می گراید. روزنامه فایننشال تایمز از قول عبدالله الدر داری رئیس اداره توسعه‌ی سازمان ملل متحد گزارش داد که اگر اوضاع در افغانستان زیر اداره طالبان به همین منوال به پیش برود، در ظرف یک سال آینده تولید ناخالص ملی ۲۰ فیصد کاهش یافته و فروپاشی اقتصادی با عمق و پهنای همه شمول دامنگیر این کشور میگردد، که در تاریخ جوامع تا کنون چنین بحرانی با این سرعت و ابعاد دیده نشده است. از تحلیل اخبار در قبال مسایل کشور ما بر می آید که بیشتر کشور های جهان که در افغانستان به نوعی منافع خویش را تهنوز میبینند مصمم اند تا از یکطرف به هر طریقی که برایشان میسر باشد تحصیل یافتگان و متخصصین امور را از آنجا برون بکشند و در عوض کمک به سکتور های تولیدی و احیای صنعت و زراعت در تلاش اند تا پول نقد برای مردم توزیع کنند که از یکطرف بنا بر نبود ادارات خیرخواه مردمی بسیار نا محتمل است تا این کمک های نقدی صد درصد بدسترس مستحقین برسد و از طرف دیگر به این ترتیب مردم منجمله نیروی مستعد به کار کشور را مفت خور و عاطل تر از دیروز میپرووراندند. خبر ها و اقدامات امریکا میرساند که آنکشور در صدد آنست تا افغانستان را به زمین سوخته مبدل سازد. رویتر گزارشی را در باره اقدامات امریکا در قبال مسایل افغانستان انتشار داده است که واقعاً تکاندهنده است. امریکا نه تنها با شدت مخالف اقدامات برای حمایت بانکهای افغانستان برای عرضه خدمات بانکی برای پرداخت معاشات کارمندان سکتور های مختلف اداری و تولیدی میباشد بلکه تحریم های امریکا شامل صدور مواد اولیه دوا و غذا نیز میباشد. همچنان اخیراً وزارت دارایی امریکا به بانک جهانی مشوره داده است تا پول های مسدود شده افغانستان را به دفعات بدسترس سازمان ملل متحد و سایر سازمانهای (بشر دوستانه) بدون هیچگونه نظارت و گزارش گیری قرار دهند. این موضوع دقیقاً میرساند که پول های مسدود شده حیف و میل گرددو هیچ مرجع بازخواست کننده و گزارش دهنده هم وجود نداشته باشد.

برای بسیاری از مردم سوال بر انگیز است که امریکا بصورت مشهود با آنکه با دولت اسلامی افغانستان روابط دیپلماتیک و رسمی مطابق به اصول قبول شده بین المللی داشت با طالبان یا تروریستان شناخته شده بین المللی روابط تأمین کرده و درکشور قطر که بزرگترین پایگاه نظامی امریکا در آنجا موقعیت دارد دفتر و ساز و برگ سیاسی برای طالبان ایجاد کرد و باب مذاکره رسمی با آنها را درمقابل انظار جهانیان آغاز کرده و با استفاده از تمام اهرم های مؤثر فشار دولت جمهوری اسلامی افغانستان را سقوط داده و طالبان را براریکه قدرت نشانده، اما چرا امروز بیش از ۹ میلیارد

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

دالر دارائی های نقدینه افغانستان را از طریق بانک جهانی مسدود کرده و از این طریق افغانستان را بسوی فروپاشی اقتصادی فشار میدهد؟

انکشاف وضع از آستانه افشا شدن روابط و مذاکرات سری امریکاییان با طالبان و سایر گروپ های تروریستی که بوسیله هلیکوپتر ها و طیارات به شمال و شمالغرب افغانستان خاصاً ولایات بدخشان، قندز، تخار، فاریاب و بادغیس منتقل میگردد، تا ایجاد دفتر قطر برای طالبان و مذاکرات و توافقات پشت پرده با طالبان که از بسیاری اجزای این توافقات تا کنون پرده برداشته نشده است تا خلع سلاح گارد محافظ ریاست جمهوری، تسلیمی پیهم ولایات و داخل کردن طالبان به شهر کابل و محاصره ارگ همه و همه بر وفق مراد امریکا به پیش رفته و خلیل زاد نماینده وزارت خارجه امریکا از انکشاف وضع خوشنود بود و تنها مانع در این راه را لجاجت طالبان را مبنی مذاکره مستقیم با نمایندگان دولت جمهوری اسلامی افغانستان مطرح میکرد.

اما حالا چه اتفاق افتیده است که امریکا از حاکمیت طالبان تروریست دست پرورده خودشان ناخشنود اند و مصمم اند مردم افغانستان را مجازات کنند؟

مقامات امریکایی از آوان پیدایش گروه های بنیاد گرای مذهبی بخوبی میدانستند که طالبان عبارت از تروریستان بنیاد گرای مذهبی اند که به فرمان تربیه کنندگان، تعلیم دهندگان و تجهیز کنندگانشان زیر نام شریعت خود ساخته شان برای همه مردم هیچ نوع حقی قایل نیستند، زنان از نظر شریعت آنان متاع زرخرد و برده مردان اند که از هیچنوع حقی برخوردار نمی باشند، آنها به جزء چند ملا، آخذ، مولوی، چلی و مرید اشخاص تحصیل یافته و متخصص برای اداره حکومت و دولت ندارند، این طالبان هم در حاکمیت اول شان هیچ نیرویی غیر از اعضای استخبارات نظامی پاکستان را در حاکمیت شان شریک نساختند و هم در جریان (مذاکرات شان با امریکا) صد ها بار با صراحت اعلام داشتند که از اهرم تا قاعده مشمولین حاکمیت دست نشانده امریکا عناصر خود فروخته و واجب القتل اند و تحت همین بهانه ده ها هزار انسان بیگناه افغان اعم از پیر، جوان، اطفال زنان، شاغلین حکومت، کسبه کاران، دست فروشان، عالمان دینی، ملا امامان مساجد، کارکنان خدمات عامه و خلاصه از همه لایه های اجتماعی مردم افغانستان را بوسیله اعمال وحشیانه و خشونتبار انتحاری، انفجارات، ترور و حملات مسلحانه به شهادت رساندند.

پس حالا چرا امریکا به بهانه اعطای حقوق اتباع و حکومت همه شمول از جانب طالبان مردم افغانستان را مجازات میکند.

اساساً امریکا با تعویض حاکمیت جمهوری اسلامی افغانستان با گروه تروریست طالب با زور سر نیزه و اعمال فشار بزرگترین جفا و خیانت را در قبال مردم افغانستان انجام داده است. آنها اساساً به این بسنده نداشتند و مصمم بودند تا با هجوم طالبان نوکران حلقه بگوش مجهز با تجهیزات خود را در برابر آنها صف آرائی کرده و به این ترتیب جنگ داخلی را در کشور مشتعل سازند و در تنور گرم آن هم خودشان و هم همه طماع های بین المللی و منطقوی و دشمنان داخلی تمامیت ارضی افغانستان نان خود را بپزند. تنها عدم اشتعال جنگ داخلی خلاف میل امریکا سیر کرده و طماع های بین المللی و منطقوی همراه با دشمنان داخلی تمامیت ارضی افغانستان چون پدram، جمعیت یان و شورای نظاری های تجزیه طلب از این امر ناخشنود اند و همه دست بدست هم داده و در پی مجازات مردم افغانستان اند. اگر شورای نظاری ها، دوستمی ها و همپیمانان شان بر ضد طالب بودند تمام قدرت به شمول وزارت دفاع، داخله، جنرال ها و مارشال ها با سیصد هزار نیرو و تجهیزات بدسترس شان بود چرا علیه چند هزار طالب قرار نگرفتند و آنها را تار و مار نکردند؟

همچنان در عقب اقدامات مجازاتی امریکا بوسیله مسدود ساختن دارائی های نقدی افغانستان در بانک جهانی و تحریمات اقتصادی تا سرحد منع صدور مواد غذایی و ادویه جات به افغانستان، سقوط نظام بانکی افغانستان، تاراج بیش از ۹ میلیارد دالر پول های مسدود شده افغانستان زیر نام سپردن به سازمان ملل متحد و سازمانهای (کمک رسان و خیریه) بدون کنترل و گزارشدهی همه و همه از یکطرف باعث مهاجرت های گروهی مردم میگردد و از طرف دیگر زمینه را برای افراط گرایی

و افزایش خشونت و پیوستن سیل بیکاران در سازمانهای تروریستی مساعد خواهد که دامنه این خشونت ها و افراط گرایی زمینه ساز جنگ های خانمانسوز داخلی خواهد گردید. و این دقیقاً خواست امریکا در منطقه علیه اهدافش میباشد.

آنچه در کشور ما همچنان کمر دشمنان را میبندد و هر بار نیرو های ملی اندیش را در تحقق پروسه اهداف ملی و آزادی های فردی ناکام میسازد، بیسوادی و نا آگاهی مردم و نبود روحیه منافع ملی و مشارکت ملی میباشد. تا هنوز زنده گی در قرا و قصبات تفاوت های فاحش با شهر ها دارد، اکثریت مردم افغانستان باشندگان قریه ها و قصبات میباشد که به اشکال بسیار بدوی زندگی دارندو آنها در تحت تأثیر بیانات ملا امام قریه زندگی و انکشاف را تعریف میکنند. این امر باعث گردیده که طرز تفکر شهر نشینان و عناصر تحصیل کرده و با سواد شهری فارغ از تأثیر افراطیت مذهبی با اندیشه های حاکم در قریه و نظریات مردمان آندیار فرسنگ ها فاصله داشته باشد و این ها هیچکدام معانی حرف یکدیگر را نمیدانند. به پندار من در چنین اوضاع و احوال ایجاد یک سازمان سراسری افغانستان شمول متشکل از عناصر غیر وابسته به خارج و خارجیان، وطن دوست متعهد به منافع ملی تعریف شده بدون هیچنوع ملاحظات قومی، سمتی، زبانی و مذهبی با دیدگاه روشن و برنامه برای تحقق منافع ملی و برنامه تطبیقی نظریه هایشان در جامعه از ضرورت های مبرم جامعه ما میباشد. برای تحقق این آرمان اولین گام عملی در جهت با سواد سازی مردم و آگاهی رسانی آنها از مشارکت ملی و منافع ملی، حقوق و آزادی های فردی در سرخط برنامه تطبیقی این سازمان افغانستان شمول قرار داشته باشد. همچنان با همه آنهایی کمک و همکار کنند که با اعمار تأسیسات مدرن مردم قریه ها را از نعمت های پیشرفت و ترقی آگاه میسازند. البته نا گفته نماند که این راه نهایت طولانی و پر از مخاطرات و مستلزم قربانی های بیشمار است. این سازمان در کوتاه مدت نقش معلم، رهنما، مبلغ و منتقد را در جامعه داشته و در دراز مدت جاگزین مطمئن برای احراز قدرت سیاسی از راه های مسالمت آمیز، دیموکراتیک و انتخابات باشد.

فقط آنهایی همگام این رهروان میگردند که از همه امکانات و جان شان مایه گذارند تا این کاروان را به سر منزل مقصود رهنمون گردند.